

«امتداد نهضت فاطمی در جنگ اقتصادی»^۱

حجة الاسلام محمد صادق حیدری

شب اول فاطمیه دوم - ۱۳۹۹/۱۰/۲۵

خلاصه شب اول

تحلیل «سیده نساء العالمین» به مدیریت حضرت زهرا (س) بر عواطف اجتماعی و تاریخی در درگیری با دستگاه کفر و نفاق از طریق رهبری جامعه زنان

و ضرورت تعیین مصادیق آن در «جنگ اقتصادی» به عنوان مظهر درگیری امروز

وقتی درد جراحات و ضربات منافقین بر حضرت صدیقه طاهره (س) غلبه پیدا کرد و ایشان در بستر افتادند، زنان مدینه برای عیادت ایشان خدمت رسیدند و عرض کردند: «كَيْفَ أَصْبَحْتَ مِنْ عِلَّتِكَ يَا ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ؟» حضرت در پاسخ آنها موضع گیری شدیدی در توبیخ آنها کردند و فرمودند: «قَالَتْ أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَاكَنَّ قَالِيَةً لِرَجَالِكُنَّ لَفْظُهُمْ بَعْدَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ وَشَنَائُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ فَقُبْحًا لِفُلُولِ الْحَدِّ وَاللَّعِبِ بَعْدَ الْجِدِّ وَقَرَعِ الصَّفَاةِ وَصَدَعَ الْقَنَاقَةَ وَخَطَلَ الْأَرْءَاءَ وَزَلَلَ الْأَهْوَاءَ» احوال این گونه است: «از دنیای پست شما دوری می گزینم و از مردان شما خشمگین هستم، بعد از آنکه آنها را امتحان کردم به کناری انداختم، بعد از اینکه آنها را آزمودم آنها را خسته کردم، وای و اف و قبح براین شمشیر کُند اینها و لهو و لعبی که بعد از آن جدیت به آن دچار شدند؛ اینها همانند نیزه شکسته ای هستند و افکار آراءشان دچار انحراف شده است». بخش آخر این روایت که شاید خیلی مورد توجه واقع نشده، مدنظر است؛ یعنی بعد از این موضع گیری شدید حضرت صدیقه طاهره (س) نسبت به مردان مدینه در مقابل زنان آنها، راوی در بیان اثر اجتماعی این موضع گیری حضرت می گوید: «قَالَ سُؤْيُدُ بْنُ غَفَلَةَ فَأَعَادَتِ النِّسَاءُ قَوْلَهَا عَلَى رِجَالِهِنَّ فَجَاءَ إِلَيْهَا قَوْمٌ مِنْ وَجْهِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ مُعْتَذِرِينَ وَقَالُوا يَا سَيِّدَةَ النِّسَاءِ لَوْ كَانَ أَبُو الْحَسَنِ ذَكَرَ لَنَا هَذَا الْأَمْرَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نُبْرِمَ الْعَهْدَ وَنُحْكَمَ الْعَقْدَ لَمَّا عَدَلْنَا عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ فَقَالَتْ عِ الْيَكُمُ عَنِّي فَلَا عُذْرَ بَعْدَ تَعْذِيرِكُمْ وَلَا أَمْرَ بَعْدَ تَقْصِيرِكُمْ». زنان مدینه به خانه رفتند و فرمایش حضرت (س) را برای مردان شان گزارش کردند. در نتیجه، گروهی از بزرگان و چهره های مهاجرین و انصار (که خواص و بزرگان و سیاستمداران جامعه مدینه محسوب می شدند) خدمت حضرت صدیقه طاهره (س) آمدند و درحالی که عذر می آوردند، گفتند: «اگر ابالحسن (ع) این مطالب را برای ما یادآوری می کرد، ما این خطا را مرتکب نمی شدیم» و حضرت هم مجدداً آنها را توبیخ کردند: «ما حجت را بر شما تمام کردیم و بعد از آن اتمام حجت ها، چنین حرف هایی عذر و بهانه است». علی رغم این که حضرت در خطبه فدکیه و در جمع تمام مهاجرین و انصار، مفصلاً به بیان این حقایق پرداخته بودند و سرزنش ها و هشدارها و اتمام حجت ها را کرده بودند و هیچ عکس العملی در بین آنها در دفاع از بیانات حضرت صورت نگرفته بود؛ اما وقتی حضرت زهرا (س) این اندازها و هشدارها را از طریق تحریک عواطف زنان جامعه انجام می دهند، ملاحظه می کنید چطور خانه های بزرگان و خواص مدینه را به لرزه درآوردند! آن هم در جامعه ای که علی رغم نهضت نبوی و شکستن فرهنگ جاهلیت، هنوز مردسالاری و تحقیر زن برقرار است اما

۱. این مباحث در شب های فاطمیه دوم (سال ۹۹) در مسجد شهرک صادقیه شهر قم مطرح شده است. جهت دریافت صوت این مباحث به پیام رسان «بله و اینا» به نشانی ذیل مراجعه کنید:

مجبور می‌شوند در مقابل گزارش زنان خود، در موضع عذرتراشی قرار بگیرند و برای پاسخگویی به خانه‌ای بروند که به آن حمله کرده بودند!

این نوع کلام و این نوع اثرات آن، حاکی از یک واقعیت بزرگ در مورد حضرت زهرا (س) است که معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد و آن عبارت است از قرارگرفتن ایشان در منصب «رهبری عواطف و احساسات جامعه زنان در طول تاریخ». اساساً هویت و توانایی اصلی زنان به عواطف، مهربانی، دلسوزی و محبت تعریف می‌شود و فاطمه الزهرا (س)، مدیریت این امور را نسبت به جامعه زنان هم در جامعه خود و هم در طول تاریخ به‌عهده گرفتند. این منصب، بدون توجه به لوازمات آن و منحصر کردن حیطه وظایف خود به خانه‌داری و همسررداری، به صورت وهله‌ای یا جبری حاصل نمی‌شود. اینکه جامعه زنان مدینه با یک کلام، چنین واکنشی نشان می‌دهد و بزرگان انصار و مهاجرین را مجبور به اعتذار و توجیه می‌کند، نشانگر این واقعیت مهم است که حضرت، این منزلت (رهبری و هدایت عواطف جامعه زنان) را با مجاهدت‌های فراوان و مداوم بدست آورده بودند و الا صرفاً با یک نطق، چنین تاثیری در مخاطب حاصل نمی‌شود.

از این رو، ملقب‌شدن صدیقه طاهره به «سیده النساء العالمین»، یک لقب تشریفاتی یا ذاتی و جبری نیست و این‌طور نبوده که خداوند متعال بدون هیچ تناسبی بخواهد بین زنان، یک نفر را به ریاست آنان انتخاب کند؛ بلکه کسب منصب «سیادة» بر زنان عالم را با قبول مصائب و بلاها و زهدا، مجاهدت‌ها و رفتارهای اجتماعی خود بدست آورده تا از این طریق، زنان جامعه را به سمت آرمان و اهداف جامعه نبوی (از بین بردن کفر جلی از جزیره العرب و سپس از جهان) هدایت نماید. در واقع درگیر شدن با قطب تجاری جزیره العرب (کفار مکه) و ۱۳ سال جهاد با کفار و قرارگرفتن جامعه مسلمانان در سنگین‌ترین فشارهای اقتصادی، نیازمند همراهی جامعه زنان بود که این امر بدون زهدهای بی‌نظیر و حادثه‌ساز حضرت زهرا (س) میسر نبوده است که باعث مبهوت‌شدن و شرمندگی جامعه زنان و سپس همراهی آنان با نهضت نبوی می‌شد.

به نظر می‌رسد این حقیقت مغفول نسبت به محوری‌ترین وظیفه حضرت زهرا (س)، باید در فهم ما نسبت به این شخصیت بی‌نظیر عالم امکان و الگوگیری و تبلیغ ما تاثیر جدی بگذارد. یعنی در بیان الگو قرار دادن ایشان و بیان تکالیف جامعه زنان، منحصر کردن تکالیف آنان به همسررداری و خانه‌داری، درک بسیار ناقصی از دین و حضرت زهرا (س) است. زیرا زنانی که در اوج حجاب و عفاف و پرده‌نشینی فقط به همسررداری و خانه‌داری و عبادات فردی می‌پردازند قطعاً با جامعه زنان در ارتباط هستند و جامعه زنان بر آنان اثر می‌گذارند و این زنان در صورتی که بینشی نسبت به وضعیت جامعه نداشته باشند، از عرف جامعه زنان به صورت منفعلانه اثر می‌پذیرند؛ لذا ملاحظه می‌شود که بخش قابل توجهی از این نوع زنان، یک زندگی بسیار عفیفانه و همراه با عبادات فردی اما متجملانه و اثر پذیر از سبک زندگی زنان اروپایی و امریکا دارند! چون جامعه زنان، یک واقعیت است که ارزش‌هایی در آن جریان دارد که براساس آن ارزش‌ها، اموری را تحقیر و اموری دیگر را تجلیل می‌کند و وقتی رهبری عرف این جامعه را به جای سبک زندگی مجاهدانه فاطمی، سبک زندگی اروپایی و امریکایی به‌عهده می‌گیرد، عملاً عطوفت و احساسات زنان عفیفه و محجبه با بالاترین سطح همسررداری و خانه‌داری، در خدمت سبک زندگی نظام کفر قرار خواهد گرفت؛ چه پوشش زنان در محافل و مراسمات خصوصی زنانه و چه خرید جهیزیه و مراسمات عروسی و... زیرا در واقع و عینیت اجتماعی، جامعه زنان همیشه رهبر و هدایت‌کننده‌ای دارد و آنها را به سمتی حرکت می‌دهد و اگر مؤمنین مدیریت و هدایت اجتماعی را به‌عهده نگیرند و وظیفه زنان را به خانه‌داری منحصر نمایند، این‌طور نیست که کفار و منافقین نیز کاری به جامعه زنان ما نداشته باشند؛ بلکه کسانی سیادت و ولایت جامعه زنان را به دست می‌گیرند و زنان ما را به سمت امور مادی خواهند برد. همان‌طور که امروزه نیز ملاحظه می‌کنید متأسفانه بخش زیادی از عواطف و احساسات جامعه زنان ما در دست آنان است.

برای توجه به واقعیتی به نام «جامعه زنان» و تحقیر و تجلیل‌های ناشی از آن و اثر آن بر افراد، توجه به این روایت مناسب است که شیخ مفید در الارشاد آورده: «قَدْ جَاءَتْهُ ذَاتُ يَوْمٍ تَبْكِي وَ تَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَيَّرْتَنِي نِسَاءُ قُرَيْشٍ بِفَقْرٍ عَلَيَّ» در یکی از روزها حضرت فاطمه (س) گریان به نزد پیامبر (ص) آمده و می‌فرماید: «ای رسول خدا، زنان قریش در باره تهیدستی و ناداری علی مرا سرزنش می‌کنند». این روایت، شاهی است بر این حقیقت که در ابتدای تشکیل حکومت اسلامی، عرف زنان جامعه حول چه ارزش‌های بوده است و چه فشارهای عظیمی را بر زنان مجاهد وارد می‌کرده و حضرت زهرا (س) با یک مبارزه دائمی و تحمل بلاها، ارزش‌های این عرف را شکسته و رهبری عواطف جامعه زنان را حول نهضت نبوی تصاحب می‌کند تا جایی که با صحبت خود، خانه بزرگان مدینه را از درون به لرزه در می‌آورد! البته ممکن است اثر این رهبری و هدایت عواطف جامعه زنان، به دلیل تهاجم نظام نفاق، در وهله کم شود و در حد اتمام حجت باقی بماند اما در تاریخ، باعث اثرات بسیار بزرگی در هدایت جامعه زنان بوده و هست؛ لذاست که ایشان به «سيدة النساء العالمین من الاولین و الآخِرین» توصیف می‌شوند. یعنی حتی زنان بزرگ تاریخ که قبل از ایشان بوده‌اند با ذکر مصایب و بلاهای حضرت، توانستند از امتحانات خود عبور کنند. این است معنای حقیقی ولایت و سیادت اجتماعی بر عواطف زنان در طول تاریخ.

پس باید توجه داشت که امکان ندارد دفاع از نظام اسلامی در درگیری با نظام کفر و نفاق، بدون بروز و ظهور اجتماعی باشد. بر این اساس است که مقام معظم رهبری در پیام خود به کنگره هفت هزار زن شهید می‌فرماید: «زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی، و در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود و درعین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه‌داشت و در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی نیز سنگر‌سازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. زنانی که اوج احساس و لطف و رحمت زنانه را با روح جهاد و شهادت و مقاومت درآمیختند و مردانه‌ترین میدان‌ها را با شجاعت و اخلاص و فداکاری خود فتح کردند». بنابراین درست است که از حضرت زهرا (س) نقل شده: «بهترین حالت برای زن این است که نه او مردی را ببیند و نه مردی او را»، اما وقتی بحث دفاع از نهضت نبوی و ولایت حضرت علی (ع) به میان می‌آید، ایشان در اوج بروزات اجتماعی برای هدایت عواطف اجتماعی زنان و مردان قرار می‌گیرند. البته زنان نظام کفر و نفاق نیز برای حفاظت از دنیاپرستی، تلاش و حضور فعال اجتماعی در جامعه دارند همانند زن ابولهب که در قرآن نام برده شده است. بنابراین در شرایطی که کفر و نفاق به صورت همه جانبه به اسلام حمله‌ور است آیا عدم تعیین وظایف اجتماعی برای نیمی از جامعه اسلامی (یعنی زنان) درست است؟! آیا نباید - به تعبیر مقام معظم رهبری - در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی، سنگر‌سازی‌های جدید (در مقابل تهاجم نظام کفر و نفاق) کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد؟!

گرچه باید توجه داشت که این ضرورت حضور اجتماعی و سیاسی زنان، از منزلت امور زنانه (یعنی تحریک عواطف زنان جامعه برای مقابله با حملات کفر و نفاق) است نه از منزلت «تحصیل و اشتغال مادی»؛ همانند جوامع غربی! متأسفانه امروزه ارزش برای جامعه زنان (حتی برخی زنان مومن) تحصیل و اشتغال مادی است تا برای رسیدن به هویت اجتماعی، همانند مردان وارد این عرصه‌ها بشوند که موجب ضربات سنگین به هویت زنانه آنها می‌شود چرا که تحصیل و اشتغال موجود، زن و مرد را یکسان می‌بیند و هر دو را بدون تفاوت به کارگر نظام سرمایه‌داری تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، زنان سنتی و مذهبی ما که با درک وجدانی از فرهنگ مذهب، وارد عرصه تحصیل و اشتغال مادی نمی‌شوند نیز تحت تاثیر عرف جوامع مادی قرار گرفته و گرفتار «مانور تجمل» در پوشش و لوازم زندگی خود در مجالس و

محافل زنانه می‌شوند (که متأسفانه این وضعیت در مجالس عزاداری زنانه‌ی همسران متدین و طلاب و علما به نام عفت و پرده‌نشینی نیز جریان پیدا کرده است!) یا حداقل به احساس انزوا و عقب‌ماندگی از جامعه دچار می‌شوند. آن عده محدودی از زنان نیز که نه مسیر تحصیل و اشتغال مادی را طی می‌کنند و نه درگیر مانور تجمل در سبک زندگی می‌شوند، دچار سرگشتگی و حیرت هستند و احساس می‌کنند هویتی روشنی برای آنان تعریف نشده و وجود ندارد.

ایجاد این چالش‌ها ناشی از عدم توجه حوزه‌های علمیه به احکام اجتماعی زنان جامعه در فرهنگ دین و قرآن است. به عبارت دیگر، احکام حضور اجتماعی الهی زنان در جامعه اسلامی، استنباط و تبلیغ و تبیین نشده است. یعنی چگونه زنان، جامعه اسلامی را از منزلت عاطفه برای درگیری با نظام کفر و نفاق تحریک نمایند؟ حضرت صدیقه طاهره (س) چنین منزلتی را برای خود ایجاد کرده و البته عظمت مجاهدت ایشان این بوده که هم به مقابله با نظام کفر پرداختند و هم نظام نفاق! یعنی جامعه زنان را برای تحریک همسران و محارم خود در درگیری و مقابله با کفار مکه و منافقین مدینه تحریک نمودند؛ در حالی که ماموریت حضرت آسیه (همسر فرعون) در مقابل کفر فرعون بود و توانست بالاترین تحریک عواطف جامعه را در رسوا کردن فرعون ایجاد نماید و ماموریت حضرت مریم (س) در مقابل جریان انحراف و نفاق بنی‌اسرائیل بود و آنها را با بروز اجتماعی الهی خود رسوا نمود. در واقع زنانی که خداوند متعال به عنوان الگوی جامعه زنان در قرآن معرفی می‌نماید، مخدراتی هستند که ظهور و بروز اجتماعی در مقابل نظام کفر و نفاق داشته‌اند و تجلیل قرآن از آنان از این جهت بوده و نه صرفاً از جهت عبادات فردی.

حال که امروز موضوع تهاجم کفر به جامعه اسلامی و مؤمنین، «جنگ اقتصادی» است و بر این اساس مقام معظم رهبری به‌عنوان نایب عام حضرت ولی‌عصر (عج) ۱۲ سال پی‌درپی، عناوین اقتصادی را برای سال‌ها نام‌گذاری نموده‌اند، وظیفه جامعه زنان چیست؟ البته در سال‌های گذشته مفصلاً درباره وظایف عمومی جامعه و مردان در جنگ اقتصادی مباحثی بیان شد و لذا در این بحث، به این وظایف از زاویه زنان مومن پرداخته خواهد شد. چون اگر در منابر و مراسم مذهبی (به عنوان فرصت‌های بی‌نظیر برای بصیرت‌افزایی جامعه مؤمنین) وظیفه اصلی زنان (از منزلت زنانه) در این تهاجم کفر به اسلام معین نشود، دفاع از اسلام با مشکل مواجه خواهد شد؛ همان‌طور که در این ۱۲ سال مرتباً از این تهاجم اقتصادی ضربه خورده‌ایم و نتوانستیم دفاع همه‌جانبه‌ای را رقم بزنیم. البته موضوع جنگ اقتصادی، چگونگی رفتار فردی با همسر و فرزندان نیست بلکه بحث «الگوی تولید، الگوی توزیع و الگوی مصرف» مطرح است و در این تهاجم دشمن، ضعف‌ها و چالش‌ها و - به تعبیر مقام معظم رهبری در تحلیل فتنه سال ۹۶ - «زخم‌های» درونی ما چیست که دشمن همانند مگس، بر روی این زخم‌ها می‌نشیند و به ایمان مردم را به انقلاب و کارآمدی دین در اداره جامعه ضربه وارد می‌کند؟

یکی از ضعف‌ها و زخم‌های درونی جامعه ما، الگوی مصرفی است که تبعیت از سبک زندگی مسرفانه و رفاه‌محور اروپایی و آمریکایی می‌کند. حال نقش جامعه زنان در شکستن این نوع الگوی مصرف چیست؟ البته باید توجه داشت که اگر وظیفه‌ای در برخورد با این الگوی مصرف برای زنان معین می‌شود نباید متوقف به حیطه خانه خود شود زیرا مورد تهاجم و فشار عرف جامعه زنان قرار گرفته و همانند دوران ابتدای زندگی حضرت زهرا (س) با امیرالمؤمنین (ع)، تبدیل به فشارهای تحقیر و عیب‌جویی (عِیْرَتْنِی نِسَاءً) آنها خواهد شد. پس باید این شکستن الگوی مصرف غربی در خانه، تبدیل به حرکت اجتماعی زنانه شود تا «تحقیر و تجلیل»‌های موجود عرف جامعه زنان تغییر کند والا با اسم حفظ «شان» و آبرو، تمام الگوی مصرف غربی بر تمام شؤونات جامعه ما حاکم می‌شود. مخصوصاً زمانی که «مصرف» کشور از «تولید» آن بسیار فاصله بگیرد و دشمن با استفاده از این ضعف و زخم اقتصادی، با ابزار تحریم به ایمان مردم حمله‌ور بشود. پس توجه به این امور، از لوازمات امروزین دفاع از اسلام در مقابل تهاجم کفر است.